

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Exploring the Theoretical Perspective of "Urbanization" Concept in Iran
Based on the CLA Method
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

کاوش دورنمای نظری مفهوم «اوربانیزاسیون» در ایران مبتنی بر روش CLA*

محمدحسین شریفزادگان^{۱*}، امیر فتحی فرزانه^۲

۱. استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۶

چکیده

بیان مسئله: «اوربانیزاسیون» به مثابه یکی از پیشران‌های اصلی دگرگونی‌های اجتماعی/فضایی در دهه‌های اخیر همواره مورد توجه بوده، اما قرائت‌های گوناگون از سیر تغییرات محتوایی این مفهوم در انطباق با ویژگی‌های زمینه‌ای و زمانه‌ای آن، به طور جدی مورد تحلیل و بحث قرار نگرفته است. طوری که معادل‌سازی‌هایی از قبیل شهرنشینی، شهری‌شدن، شهری‌سازی، ایجاد مدنیت و حتی شهرگرایی برای پوشش مفهوم‌های پیچیده آن به کار رفته است. بدیهی است که معادل‌سازی در هر نوشتاری یک مسئله قراردادی و صوری باشد، با این حال شایسته است مباحث شکلی واژگان از مباحث مفهومی آن جدا شود. **اهداف پژوهش:** این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل لایه‌ای علی (CLA) در چهار لایه «سطح مشهود و پذیرفته‌شده»، «سطح علل کلان وابسته به سیستم»، «سطح گفتمان/ جهان‌بینی» و «سطح استعاره/ اسطوره» سعی دارد تا ضمن شناسایی خوانش‌های ممکن بر مبنای گفتمان‌ها و استعاره‌های موجود به ارائه چشم‌اندازهای نظری گوناگون ناشی از مفهوم «اوربانیزاسیون» در ایران بپردازد. **روش پژوهش:** تحلیل لایه‌ای علی براساس مصاحبه عمیق/ نیمه‌ساختاریافته و در راستای شناسایی مضامین اصلی لایه‌های تحلیل در سطح نخبگان و متخصص‌های حوزه مطالعات شهری ایران به کار گرفته شده است.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش گویای آن است که مفهوم «اوربانیزاسیون» در ایران دارای چهار سطح تحلیلی است. سطح نخست، به عنوان نرخ شهرنشینی ناشی از یک واقعیت عینی و تجربی؛ در سطح دوم هم‌تراز با مفهوم فرایندی شهری‌شدن؛ در سطح سوم مبتنی بر مفهوم «اوربانیزاسیون» به مثابه یک کنش جمعی با محوریت گشایش افق در امر سیاسی فضا، و در سطح چهارم به عنوان امر ذهنی متفاوت، با استعاره‌رهایی بخش بودن؛ همخوان شده است.

واژگان کلیدی: اوربانیزاسیون، نظریه شهری، پدیده فضایی، CLA.

مقدمه

مفهوم «اوربانیزاسیون»^۱ در زیست‌شهری امروزه به طور پیوسته دگرگون شده و برداشت‌های جدیدی از آن قرائت می‌شود. این مفهوم به عنوان یکی از کلیدی‌ترین

پیشران‌های دگرگونی‌های اجتماعی/فضایی در قرن‌های اخیر همواره مورد توجه بوده است. با این وجود، قرائت‌های گوناگون از سیر تغییرهای محتوایی آن در انطباق با ویژگی‌های زمینه‌ای و زمانه‌ای آن، به شکل جدی مورد تحلیل و بحث قرار نگرفته است. طوری که در دیدگاه‌های رایج، «اوربانیزاسیون» گاهی به مثابه نرخ رشد جمعیت ساکن در شهرها (معادل مفهوم کلاسیک نرخ شهرنشینی) تنزل یافته و گاهی نیز در چارچوب‌های نظری فراتر

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری «امیر فتحی فرزانه» با عنوان «مفهوم اوربانیزاسیون در بستر ایرانی» است که در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی به راهنمایی «محمدحسین شریفزادگان» در سال ۱۴۰۰ در حال تدوین است.

** نویسنده مسئول: ۲۲۴۳۱۶۴۳، m_sharifzadegan@sbu.ac.ir

پیچیده‌تری در قالب شرح‌ها و گفتمان‌های مختلف بوده و به این ترتیب «اوربانیزاسیون» بیش از این حصارپذیر نخواهد بود. از طرفی در ایران فقط یک کلمه برای مفهوم شهر^۲ به کار رفته است ولی در دنیا سیر تبدیل Town به City و Urban پدیده‌های مختلفی مطرح است. در ایران همه مفاهیم به شهر ختم می‌شود. با وجود این که وزارت کشور درجه‌های متفاوتی از شهر را تعریف کرده ولی غالباً دارای پشتوانه نظری خاصی نیستند. این امر نیز بر ابهام و سردرگمی پیرامون معادل‌سازی «اوربانیزاسیون» افزوده است.

تصویر ۱ به ارائه مسئله مورد بررسی پژوهش با توجه به علت‌ها و پیامدهای آن پرداخته به طوری که مشکل مرکزی پژوهش حاضر در وجود تفسیرها و خوانش‌های گوناگون از «اوربانیزاسیون» در گفتمان‌ها و سطوح مختلف تحلیل ردیابی شده است. علت آن نیز در دو مورد «پیش‌فرض‌های گوناگون از ماهیت «اوربانیزاسیون» در رهیافت‌های نظریه شهری» و «فروکاستن همه مفاهیم مرتبط با City, Town و Urban در نوشتار فارسی به شهر» بوده است. ادامه این روند باعث پیدایش و تشدید پیامدهایی مانند «رایج شدن مفهوم کلاسیک نرخ کمی شهرنشینی»، «کم‌توجهی به مفاهیم فرایندی و دگرگونی‌های کیفی» و «سردرگمی در معادل‌سازی‌هایی مانند شهری شدن، ایجاد مدنیت، شهرگرایی و توسعه شهری» شده است.

امروزه، تحلیل و تبیین مفهوم «اوربانیزاسیون» موضوعی نیست که بتوان آن را به چارچوب مرزهای یک قلمرو مشخص فروکاست و از دیدگاه اندیشمندان یک حوزه جغرافیایی به آن پرداخت؛ به همین سبب پژوهش حاضر در بررسی مبانی نظری و مفهوم «اوربانیزاسیون» از ادبیات جهانی این موضوع بهره برده و سعی دارد چارچوبی برای تبیین مفاهیم متفاوت مرتبط ارائه کند. این پژوهش به طور کلی چهار بخش اصلی را دنبال می‌کند. نخست این که، پژوهش حاضر براساس یک رهیافت بازتر و لایه‌ای‌تر، به دنبال بررسی این پرسش است که «چه معانی و قرائت‌هایی از «اوربانیزاسیون» در شرایط امروزی ایران در قیاس با دیدگاه‌های جهان قابل ردیابی است؟» در ادامه، این پژوهش با بهره‌گیری از رهیافت پساساختارگرا و به طور ویژه تحلیل لایه‌ای علی، این فرصت را فراهم می‌کند تا خود «اوربانیزاسیون» به عنوان یک صورت مسئله خارج از چارچوب‌های موروثی و مرسوم، به طور لایه‌وار مورد تحلیل قرار گیرد و سپس خوانشی نظام‌مند از شرح‌ها، گفتمان‌ها و مفاهیم مرتبط با هر لایه از آن ارائه شود و در نهایت چارچوب نظری ناشی از مفاهیم کاوش‌شده پیرامون «اوربانیزاسیون» در ایران تبیین شود.

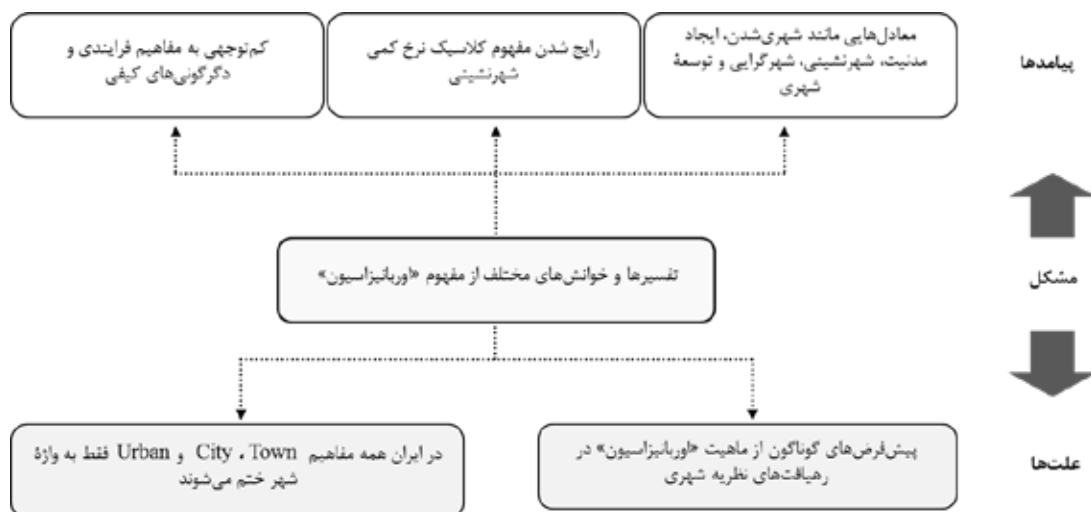
از گفتمان‌ها و جهان‌بینی‌ها و فراروایت‌هایی از قبیل مدرن‌شدن^۳، صنعتی‌شدن^۴، جهانی‌شدن^۵ و نئولیبرال‌شدن^۶ ارتقاء یافته است. ممکن است تفاوت‌های گسترده‌ای بین مفاهیم مختلف درباره «اوربانیزاسیون» شناسایی شود. ولی همگی به موضوع مشترکی اشاره دارند و آن صورت عمومی و جهان‌گستری از فرایندهای نوپدید اجتماعی/فضایی است که سطح شناختی و تحلیلی متفاوتی با یکدیگر دارند. در واقع، بسته به نوع گفتمان و زمینه به کارگیری واژه، ممکن است از حالت‌های خیلی ساده که نوع خاصی از الگوی استقرار و چینش است تا فرایندهای پشتیبان و دگرگون‌کننده آن، تأکید کند. در تفسیر اول بیشتر یک محصول و عدد مطرح است که بیانگر گذر از حالتی به حالتی دیگر است. در تفسیر دوم، مجموعه‌ای از پویاها، کنش‌ها و فرایندها مد نظر است که از حالت عادی به حالت نوین با دگرگونی فرایندها رخ می‌دهد. به این ترتیب، «اوربانیزاسیون» در شرایط امروزی به یک مفهوم در حال تحول و گذار تبدیل شده است. با این وجود، هنوز برداشت‌های گوناگون و حتی متناقض درباره این مفهوم وجود دارد. البته این مسئله رویداد تازه‌ای به نظر نمی‌رسد و از دهه ۱۹۶۰ (م.) به تناوب توسط اندیشمندان حوزه‌های مرتبط با مطالعات شهری مطرح شده است. چگونگی گزینش منطق پویا/ایستا به مفهوم «اوربانیزاسیون» هنوز هم جای بحث دارد. به طوری که این امر در دهه‌های اخیر نیز با شدت بیشتری مورد تأکید صاحب نظران حوزه مطالعات شهری قرار گرفته است.

در ایران هم از اواخر دهه ۱۳۴۰ (هش) و اوایل دهه ۱۳۵۰ (هش) «اوربانیزاسیون» به عنوان یک مسئله شهری مطرح شد. به طور ویژه بعد از اصلاحات ارضی، به بحث‌هایی درباره ماهیت تحولات شهری پرداخته شد (مجتهدی، ۱۳۴۹؛ ادیبی، ۱۳۵۳؛ اشرف، ۱۳۵۳؛ اعتصام، ۱۳۵۴). همچنین معادل‌سازی‌هایی از قبیل شهرگرایی/شهرگری (صاحب‌الزمانی، ۱۳۴۷)، شهری شدن (وینر، ۱۳۵۱)، ایجاد مدنیت (کینز، ۱۳۵۱)، شهرنشینی (شکویی، ۱۳۵۲) و توسعه شهری (روئن چن و گالنسون، ۱۳۵۴) برای پوشش مفهوم‌های آن در نوشتار فارسی به کار رفته است. بعدها مطالعات کمی سازمان برنامه و بودجه درباره تغییرات جمعیت شهرهای کشور^۷ (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۳) به نوعی موجب شد تا معادل شهرنشینی به مدت دو دهه مورد پذیرش نسبی قرار گیرد. هرچند در دهه‌های بعدی، برخی نوشتارها به کارگیری معادل شهری شدن را ترجیح دادند (صرافی، ۱۳۷۹؛ محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۰؛ هاروی، ۱۳۸۷). با این حال، هنوز هم معادل‌سازی «اوربانیزاسیون» با چالش‌هایی مواجه است. زیرا مفهوم «اوربانیزاسیون» به طور پیوسته در حال دگرگونی و تبدیل شدن به مفاهیم

پیشینه پژوهش

در ایران پژوهش درباره «اوربانیزاسیون» غالباً با محوریت تحلیل همبستگی‌های بین تغییرهای جمعیت و نرخ شهرنشینی همخوان بوده است. از جمله پژوهش‌هایی با عنوان «جمعیت و شهرنشینی در ایران» (زنجانی، ۱۳۷۰)، که در آن با بررسی آمارهای موجود، جمعیت شهرنشین کشور در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ (ه.ش) در ترکیب‌های سنی، جنسی و نوع مشاغل نشان داده شده است. پژوهش دیگری با عنوان «توزیع و ترکیب جمعیت در شهرهای جدید» (ریسمانچیان، ۱۳۷۲)، به مطالعه موردی دو شهر جدید با تأکید اهمیت تحولات جمعیت شهری در طول زمان در راستای تحولات شهری پرداخته است. در پژوهشی دیگر با عنوان «تحركات جمعیتی و الگوی سلسله‌مراتب شهری» (علیزاده آهی، ۱۳۷۲)، به بررسی جایگاه الگوهای فعالیتی و اشتغال در تغییر الگوهای جمعیتی مناطق تأکید داشته است. پژوهش «مهاجرت داخلی و مسئله مدیریت شهری با تأکید بر شرایط ایران» (صرافی، ۱۳۸۱)، با اثبات تداوم مهاجرت‌های روستایی شهری در ابعاد کلان، میانه و خرد، معتقد به روی‌آوری مدیریت شهری به شیوه‌های نوین اداره شهر است که مشارکت فراگیر اجتماعات محلی و نهادهای مدنی را موجب می‌شود و سبب توانمندسازی مهاجران و یکپارچه‌سازی آنان با شهر و فرهنگ شهری خواهد شد. در پژوهش دیگری با عنوان «توسعه شهرنشینی و پیامدهای آن» (پورافکاری، کلانتری و نقدی، ۱۳۸۱)، موضوع شهرنشینی در ایران مورد بررسی قرار گرفته و بر

تسلط الگوی تک مرکزی و نخست شهری اشاره می‌کند. پژوهش دیگری نیز با عنوان «تحلیلی بر شهرنشینی و جایگاه شهرهای جدید در ایران» (ابراهیم‌زاده و نگهبان، ۱۳۸۳)، به جایگاه رشد جمعیت در گسترش شهرنشینی کشور پرداخته شده است. پژوهش بعدی با عنوان «بررسی تأثیر متقابل فرایند افزایش جمعیت و شهرنشینی در ایران» (ایران محبوب و میرفردی، ۱۳۸۴)، به بررسی تعامل بین رشد جمعیت و گسترش شهرنشینی پرداخته است. پژوهش دیگری با عنوان «دولت و شهرنشینی در ایران» (رهنمایی، ۱۳۸۸)، بر نقش کلیدی دولت در گسترش شهرها در دهه‌های اخیر اشاره دارد و شهرنشینی را نتیجه‌ای از اراده دولتی در راستای گسترش نفوذ خود در اجتماع می‌داند. در پژوهش دیگری نیز با عنوان «فرایندها و الگوهای شهرنشینی در ایران» (درویش‌زاده، پوراحمد، منصوریان و سیف‌الدینی، ۱۳۹۳) به این نتیجه رسیده‌اند که فرایند شهرنشینی و رشد شهری در ایران همچون بسیاری از مناطق دنیا شامل دو فاز اصلی تمرکزگرایی و تمرکززدایی بوده است. تا اوایل دهه ۱۳۶۰ (ه.ش)، فرایند شهرنشینی در مسیر تمرکزگرایی گام برداشته و الگوی ناشی از آن، نخست شهری بوده است. با تضعیف نیروهای مرکزگرا از اوایل دهه ۱۳۶۰ (ه.ش) تحت تأثیر هزینه‌های ناشی از ازدحام در شهرهای برتر کشور، فرایند شهرنشینی در ایران وارد فاز تمرکززدایی می‌شود. اما این تمرکززدایی غالباً به صورت پراکنش متمرکز روی می‌دهد و الگوی فضایی حاصل از آن شکل‌گیری مناطق کلانشهری از قبیل منطقه کلانشهری تهران است. در پژوهشی با عنوان «دگردیسی و پایایی شهر



تصویر ۱. تحلیل مسئله مورد بررسی در پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

به شدت در حال تغییر و تحول معنایی بوده است. با این حال، پژوهش‌های انجام گرفته درباره «اوربانیزاسیون» غالباً خوانشی تجربه‌باور و عینیت‌گرا از این پدیده داشتند و بر بُعد تحولات جمعیتی و جغرافیایی آن تأکید کرده‌اند. پژوهش حاضر بر این باور است که بیش از این نمی‌توان «اوربانیزاسیون» را صرفاً در یک سطح از تحلیل مورد کاوش قرار داد. لازم است برای فهم عمیق‌تر این واژه لایه‌های عمیق‌تری از آن را معرفی کرده و به تدریج مورد کاوش قرار داد. این امر نشانگر تمایز بارز رهیافت باز و لایه‌ای این پژوهش با پژوهش‌های پیشین بوده است.

چارچوب نظری پژوهش

• مفهوم کلاسیک «اوربانیزاسیون» در حوزه نظریه شهری

حوزه نظریه برنامه‌ریزی به‌مثابه یک دال تهی^۱ (لیوان خالی) است که محتوای آن می‌تواند از یک‌سری واژه‌ها و مفاهیم پُر شود. در واقع، تعدادی نظریه‌پرداز درون این لیوان خالی را با شیر، روغن، خون، آب، شن و ... پر کرده‌اند (Gunder & Hillier, 2009, 4). وقتی از «اوربانیزاسیون» صحبت می‌شود، پیش‌فرض‌هایی از چیستی شهرها و ماهیت «اوربانیزاسیون» مورد تأکید قرار می‌گیرد (Brenner & Schmid, 2015). به همین ترتیب، رهیافت‌های گوناگون نظریه شهری (از مکتب شیکاگو تا لس‌آنجلس، از رویکرد پسااستعماری^۲ تا سیاره‌ای^۱) براساس

و مفهوم آن «(حبیبی، ۱۳۹۴)، با تأکید بر این که در همه تمدن‌های بشری و شهری، دانش تاریخی زیست‌سرزمینی در هماوایی با طبیعت پیرامونی و دانش فنی و فناوری زمانه، پیوسته و همیشه آکنده از نوآوری است و سنت ساخت و تولید فضا و مکان بازتاب سه‌گانه فرهنگ (دانش تاریخی زیست)، دانش فنی زمانه، و طبیعت است؛ به بررسی سیر دگردیسی مفهوم شهر در دوره‌های زمانی پرداخته و چگونگی تحول یافتن آن در دوره حاضر را تشریح کرده است. در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر برنامه‌ریزی فضایی و الگوی توسعه شهرنشینی در ایران» (مرادنژاد، ۱۳۹۵) سعی شده که بر مفهوم شهرنشینی و ارتباط آن با برنامه‌ریزی فضایی توجه شود. در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر الگوی فضایی، ابعاد و عوامل مرتبط با رشد شهرنشینی دوره معاصر در ایران» (میرآبادی، بشارتی‌فر و کریمی، ۱۳۹۷) الگوی فضایی ناشی از شهرنشینی کشور بین ۱۳۷۵-۱۳۹۰ (هش) مورد بررسی قرار گرفته و توسعه صنعتی به عنوان پیشران توسعه شهرنشینی معرفی شده است. در مورد دیگری با عنوان «شهرنشینی» (پارمحمدیان، ۱۳۹۹) به ارائه معرفی تعاریف کمی از مفهوم شهرنشینی یا شهری‌سازی در قالب یک دانشنامه پرداخته است. جدول ۱ به بررسی مفاهیم کلیدی پیرامون «اوربانیزاسیون» پرداخته است.

براساس مروری مختصر پیرامون نتایج و دستاوردهای پژوهش‌های انجام شده، آنچه مشخص می‌شود، این واقعیت است که مفهوم «اوربانیزاسیون» در طول دهه‌های اخیر

جدول ۱. بررسی مفاهیم کلیدی در پیشینه پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

مفهوم	سال (هش)	پژوهشگر
خوانش «اوربانیزاسیون» براساس جمعیت شهرنشین کشور در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ (هش)	۱۳۷۰	زنجانی
تأکید بر اهمیت تحولات جمعیت شهری در راستای تحولات مربوط به «اوربانیزاسیون»	۱۳۷۲	ریسمانچیان
تغییر الگوهای «اوربانیزاسیون» در کشور برگرفته از الگوهای فعالیتی و اشتغال	۱۳۷۲	علیزاده آهی
ضرورت روی آوردن مدیریت شهری به شیوه‌های نوین اداره شهری	۱۳۸۱	صرافی
تسلط الگوی تک مرکزی و نخست شهری در ادراک «اوربانیزاسیون» ایران	۱۳۸۱	پورافکاری و همکاران
جایگاه رشد جمعیت در گسترش «اوربانیزاسیون» کشور	۱۳۸۳	ابراهیم‌زاده و نگهبان
تعامل بین رشد جمعیت و گسترش «اوربانیزاسیون»	۱۳۸۴	ایران محبوب و میرفردی
دولت به عنوان بازیگر نقش اول در گسترش «اوربانیزاسیون» ایران	۱۳۸۸	رهنمایی
تأثیرپذیری «اوربانیزاسیون» و رشد شهری ایران از روندهای اصلی جهانی	۱۳۹۳	درویش‌زاده و همکاران
ضرورت بازاندیشی در مفهوم شهر به علت چالش برانگیز بودن مفاهیم نوین مرتبط با آن	۱۳۹۴	حبیبی
تأثیرپذیری «اوربانیزاسیون» از برنامه‌ریزی فضایی کشور در مقیاس‌های متنوع	۱۳۹۵	مرادنژاد
کاهش تعادل فضایی کشور در راستای تهی‌شدن روستاها و گسترش شهرنشینی	۱۳۹۷	میرآبادی و همکاران
اوربانیزاسیون به مفهوم افزایش جمعیت ساکن در شهرها و فرایند انتقال جمعیت روستا به شهر	۱۳۹۹	پارمحمدیان

فیزیکی سیتی‌ها فروکاست. زیرا «اوربانیزاسیون» یک فرایند است و سیتی یک موقعیت مکانی بوده که یک برآمد (و نه تنها برآمد) از این فرایند است. پس «اوربانیزاسیون» به عنوان مجموعه‌ای از فرایندهای کلیدی، قابل تقلیل به سیتی‌ها نیست (Angelo & Wachsmuth, 2014). آن چه به طور پیوسته رخ می‌دهد؛ این است که غیر سیتی^{۱۴} و ضد سیتی^{۱۵} بر سیتی برتری یافته و بر آن نفوذ کرده و آن را دگرگون کرده‌اند (Lefebvre, 2003, 113). گفتمان‌های عمده معاصر درباره شهرگرایی جهانی به طور چشمگیری تاکنون سیتی محور بوده است، زیرا غالباً سیتی را به عنوان نقطه پایانی و محرک علیت «اوربانیزاسیون» می‌دانند (Cairns, 2019, 119). امروزه با پیدایش مفاهیمی مانند مرگ فواصل^{۱۶}، پایان جغرافیا^{۱۷} و اقتصاد بی‌وزن^{۱۸} اندیشیدن به مفهوم شهر در مقیاس‌های متنوعی با چالش‌های جدی مواجه شده است (Rodriguez-Pose, 2008). مفاهیمی مانند «مرکز و پیرامون»، «حاشیه و متن»، «پس کرانه و حوزه نفوذ» نیز به تدریج دگرگون شده‌اند. می‌توان ادعا کرد، ماهیت و مفهوم‌پردازی نظریه‌های شهری قرن بیستم درباره فهم سیتی در قرن حاضر برای فهم اوربان^{۱۹} ناکارآمد است. در واقع، ابزار هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی رایج آن در قرن حاضر در حال دگرگونی هستند.

• پیدایش مفاهیم نوین «اوربانیزاسیون»

غالب چارچوب‌های مفهومی درباره «اوربانیزاسیون» تاکنون مبتنی بر دو مؤلفه کلیدی توزیع جغرافیایی جمعیت و گستره فضایی به عنوان پدیده‌های فضایی در قالب تجمع‌گاه‌ها و سکونت‌گاه‌ها هستند. در دهه‌های اخیر، تحلیل‌های فضایی از گستره شهرها، چالش‌هایی در چگونگی تعیین محدوده فضایی شهر هسته در تعامل با نواحی پیرامونی آن داشته است. برون‌پاشی و دگرگونی پیوسته مقیاس‌ها در گونه‌شناسی متنوع پدیده‌های فضایی با ماهیت اسمی از منطقه شهری چنددهه‌ای تا شهر- منطقه، منطقه کلانشهری و ابرمنطقه مسئله‌ای چالش‌برانگیز بوده است. این‌ها به عنوان الگوهای فضایی نسبتاً جدیدی هستند که متأثر از تبلورهای پی‌درپی فرایندهای «اوربانیزاسیون» به صورت موقتی تثبیت می‌شوند (Roy, 2009). دقیقاً در چنین شرایطی است که پیکربندی‌های رایج بافت شهری به شیوه‌هایی نوین دگرگون می‌شود و معادله تعریفی عام «اوربانیزاسیون» را با رشد سیتی به طور جدی با مشکل مواجه می‌کند. زیرا پدیده‌های فضایی در مقیاس‌های گسترده‌تر و در گونه‌های پیچیده‌تری از مناظر سکونتگاهی، کارکردی و اکولوژیکی در حال پدیدار شدن هستند که محدود به یک جغرافیای مشخص، مرزدار و صرفاً سکونتی نیستند (Schmid et al, 2017). بنابراین مسئله کنونی چگونگی رمزگشایی از فرایندهای

هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی خاص خود، به ارائه تعریف‌های خاص و متفاوتی از مفهوم «اوربانیزاسیون» می‌پردازند. بررسی سیر تاریخی پیدایش این مفهوم نشان می‌دهد که تبارشناسی در تحلیل رایج «اوربانیزاسیون» به‌مثابه نرخ کمی شهرنشینی، ریشه در تحلیل‌های قرن بیستمی دارد؛ طوری که جامعه‌شناس آمریکایی، کینگزلی داویس براساس آموزه‌های اکولوژی شهری مکتب شیکاگو، تعریف کلاسیک از شهرنشینی را به عنوان گسترش جمعیت سیتی^{۱۱} - پایه در قیاس با کل جمعیت کشور ارائه داد. به این ترتیب داویس آستانه‌های جمعیتی از ۲۰ هزار تا ۱۰۰ هزار را برای مشخص کردن گونه سکونت‌گاه‌ها به کار گرفت. همچنین وی به ارائه فرمول $U = Pc / Pt$ برای فهم تجارب خود پرداخت (نرخ شهرنشینی $U =$ جمعیت سیتی‌ها $= Pc$ و کل جمعیت کشور $Pt =$ بود). بیشتر نقشه‌ها درباره روند شهرنشینی در جهان از نظر بصری تفاوت دارند و از نظر روش‌شناسی براساس تحلیل داده‌های کینگزلی داویس هستند (Davis, 1955). بارزترین نمونه برای چنین باوری، بیانیه برنامه اسکان سازمان ملل مبتنی بر «عصر شهری» از نظر تاریخی بی‌سابقه، به دلیل افزایش جمعیت شهری در جهان است که از اوایل دهه ۲۰۰۰ م. از آستانه عمده شهری عبور کرده است (United Nations, 2007). به طور کلی، «اوربانیزاسیون» یک نوع فرایند نوین تلقی شد که با شیوه جدیدی از الگوی استقرار فضایی مرتبط بود و خاصیت آن‌ها با گذشته فرق داشت. مفاهیم و تفاسیری که از «اوربانیزاسیون» وجود دارند، جدا از بسترهای مختلف (با خوانش‌های نظری متفاوت) سعی کرده‌اند تا پدیده‌ای را نشان دهند و تبیین نمایند که در بنیان اصلی مدلی از تکثر فضایی بوده که در حالتی به وقوع پیوسته است. این تکثر فضایی در ابتدا ساختاری از کمیت، عدد و اندازه یا نوعی چینش و استقرار بوده و به تدریج موجب ایجاد و دگرگونی رفتارها، الگوها و هنجارهایی شده است. طوری که رفته‌رفته تحلیل‌های کمی درباره «اوربانیزاسیون» رنگ باخته‌اند و تحلیل‌های کیفی پیرامون آن قوت گرفته‌اند.

• دگرگونی در مفهوم «اوربانیزاسیون»

در کتاب تولید فضا، «آنری لوفور» از طریق نظریه خود در یک صورت‌بندی واضح و روشن، ابعاد روی هم افزوده شده فضا را به لایه‌های پیچیده و نامتقارن درون یک شیرینی ناپلئونی^{۱۲} - یک دسر فرانسوی که به معنای واقعی کلمه «هزار برگ»^{۱۳} یا «هزار لایه» است - تشبیه می‌کند (Lefebvre, 1990, 88). به این ترتیب، هیچ نوع تقلیل‌گرایی پیرامون مفهوم هزار لایه از روابط اجتماعی / فضایی به یک شکل واحد، با اولویت‌های جغرافیایی رایج آن قابل پذیرش نیست. در واقع، «اوربانیزاسیون» را نمی‌توان فقط به گسترش

از مفهوم «اوربانیزاسیون» به طور موقت تثبیت شده و به تدریج تحول می‌یابد؛ به طوری که امروزه «اوربانیزاسیون» به یک مفهوم چندبُعدی دگرگون شده است. هر بُعد از آن به نوعی قابل توصیف و کاوش است. در واقع شایسته است پیش از هر تحلیلی پیرامون مفهوم «اوربانیزاسیون»، به معرفی و تبیین مدل ذهنی شناختی پرداخت تا هرکدام از ابعاد و مؤلفه‌های معنایی را معرفی کرد. با این حال، بسیار دشوار می‌کند که تنها با یک گفتمان و یک لایه از شناخت و تحلیل به خوانش این مفهوم پرداخت.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به پرسش، هدف و مبانی نظری بحث‌شده در پژوهش حاضر، تلاش بر این است تا منطقی پویا برای خوانش مفهوم «اوربانیزاسیون» مورد توجه قرار گیرد. زیرا این پژوهش به دنبال فروکاستن یا حذف هیچ یک از رهیافت‌های نظری بحث‌شده پیرامون «اوربانیزاسیون» نیست؛ بلکه تلاش می‌کند از طریق کاربست دستگاه فکری منسجم و پویاتری به حفظ و ارتقای عوامل کلیدی در پیدایش و تحول مفهوم «اوربانیزاسیون» اقدام کند. در منطقی پساساختارگرایی رویکردی از نگرش و پژوهش وجود دارد که در آن پدیده‌ها از ابعاد عینی، سطحی، عام و کمی تا ابعاد ذهنی، عمیق، کیفی و گفتمانی خاص مورد کاوش قرار می‌گیرند. کاربست این منطق در پژوهش حاضر می‌تواند همه عوامل و ابعاد متمایز یا حتی متناقض ردیابی شده در مفهوم «اوربانیزاسیون» را کنار هم قرار داده و پویایی این تحولات را مورد کاوش قرار دهد. این نوع نگاه باعث می‌شود تا مفهوم «اوربانیزاسیون» از چارچوب‌های مرسوم صورت مسئله خود خارج شود و در لایه‌های عمیق‌تری تحلیل شود. همان‌طوری که در مبانی نظری طرح شد؛ «اوربانیزاسیون» یک پدیده چند بُعدی است؛ بسته به سطحی که به آن تأکید می‌شود، امکان معرفت‌شناسی‌های متفاوتی وجود دارد. لازم است سطوح

«اوربانیزاسیون» است که مناظر، شرایط و جغرافیاهای نوپدید و غیریکنواخت را در مقیاس‌های مختلف شکل داده و دگرگون می‌کنند. رهیافت سیاره‌ای به نظریه شهری، با کنار گذاشتن فرضیه‌های رایج در مورد مورفولوژی‌ها، قلمرویی‌ها و پویایی‌های اجتماعی/ فضایی پیرامون شرایط شهری، سعی کرده تا مفهوم «اوربانیزاسیون» را در دو ساحت تمرکز یافته^{۲۰} و گسترش یافته^{۲۱} مورد بررسی قرار دهد (Brenner, 2019, 387). «اوربانیزاسیون» تمرکز یافته به تجمع جمعیت و سرمایه‌گذاری‌ها در کریستال‌های فضایی با ماهیت سکونت‌گاهی (شهر، کلانشهر، منطقه کلانشهری) اشاره دارد و «اوربانیزاسیون» گسترش یافته به فرایندهای دگرگونی اجتماعی/ فضایی خارج از عرصه‌های سکونتگاهی (حیات وحش، مراتع، شبکه‌های ارتباطی، معادن) اشاره دارد. نظریه شهری تاکنون بیشتر بر ساحت تمرکز یافته «اوربانیزاسیون» در قالب پدیده‌های فضایی متنوع با ماهیت اسمی تأکید داشته و بعد از این شایسته است بر فرایندهای اجتماعی/ فضایی دگرگون‌کننده و پشتیبان جغرافیاهای ناشی از «اوربانیزاسیون» گسترش یافته با ماهیت برسازنده نیز توجه کند.

با توجه به بحث‌های صورت گرفته، جدول ۲ به ارائه ویژگی و مؤلفه‌های «اوربانیزاسیون» در دو تفسیر کلاسیک و نوین پرداخته است.

با مروری بر سیر مبانی نظری درباره مفهوم «اوربانیزاسیون» می‌توان ادعا کرد وضعیت شهری امروزی به شدت دگرگون شده است. به طوری که بازسازی‌ها و تغییر ساختارهای شهری با سرعت بیشتری در جریان بوده‌اند و فضاهای شهری جدید در کنار اشکال جدید «اوربانیزاسیون» در حال تبلور یافتن هستند. به همین ترتیب می‌توان خوانش‌های متنوعی از مفهوم «اوربانیزاسیون» را ردیابی کرد که لایه‌های تحلیلی هر یک به نوعی بر عینیت‌ها، ذهنیت‌ها، گفتمان‌ها و جهان‌بینی‌های خاصی استوار بوده‌اند. زیرا هر خوانشی

جدول ۲. تبیین دو مفهوم کلاسیک و نوین «اوربانیزاسیون». مأخذ: نگارندگان.

مؤلفه‌ها / مفهوم	مبانی بر سیتی	مبانی بر اوربان
ماهیت تعریفی	نگاه کمی آستانه جمعیتی (مثلاً ۵ هزار نفر) با ماهیت اسمی	نگاه کاملاً کیفی مبتنی بر فرایندهای پشتیبان با ماهیت برسازنده
واحد تحلیل	محدود به گونه سکونت‌گاهی و مرزدار کریستال‌های فضایی	فرایندهای دگرگونی اجتماعی- فضایی مداوم چندمقیاسی و متنوع
سازمان قلمرویی	عرصه‌های سکونتگاهی در تضاد با غیرخود (روستا، طبیعت، حومه و حیات وحش)	عرصه‌های سکونتگاهی در برهمکنش با مناظر عملکردی، اکولوژیکی به طور پیوسته دگرگون شده
نظریه‌های پشتیبان	اکولوژی شهری، مکتب شیکاگو (نگاه موزائیکی)	رهیافت سیاره‌ای نظریه شهری (نگاه شبکه‌ای)
الگوهای فضایی	اوربانیزاسیون تمرکز یافته	اوربانیزاسیون تمرکز یافته + اوربانیزاسیون گسترش یافته

با استفاده از مصاحبه عمیق / نیمه ساختاریافته فراهم شده و پس از انجام گام‌های پیش‌کدگذاری (گردآوری داده و پیاده‌سازی آن)، داده‌ها تحلیل شده و در گام بعدی کدگذاری ابتدایی^{۲۰}، کدگذاری متمرکز^{۲۱} و کدگذاری نظری^{۲۲} صورت گرفته است. **تصویر ۲** به ارائه این روند پرداخته است.

بحث و یافته‌های پژوهش

بر اساس سیر تحول مفهوم «اوربانیزاسیون» که در مبانی نظری اشاره شده و مبتنی بر روش تحلیل لایه‌ای علی (CLA) که بر پایه نظرخواهی از متخصصان و صاحب‌نظران حوزه مطالعات شهری صورت گرفته؛ چهار سطح از تحلیل پیرامون مفهوم «اوربانیزاسیون» در این پژوهش بررسی شده است. طوری که پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، کدگذاری‌های ابتدایی برای هر کدام انجام شده و سپس مفاهیم کلیدی در کدگذاری متمرکز کاوش شده و در نهایت کدهای نظری هر مقوله در ارتباط با این موضوع معرفی می‌شود و به تدریج مورد بحث قرار می‌گیرد. از میان ۳۰۰ گزاره اولیه ارائه شده، ۹۰ کد اولیه استخراج شده و ۴ مقوله (لایه) کلان ردیابی شده است. نمونه‌ای از فرایند به دست آوردن مفاهیم از داده‌های کاوش شده در **جدول ۴** ارائه می‌شود.

به همین ترتیب، بر اساس تحلیل لایه‌ای علی (CLA)، لایه‌های چهارگانه ردیابی شده این پژوهش، در مواجهه با مفهوم «اوربانیزاسیون» به شرح زیر ارائه می‌شود.

– لایه نخست (واقعیت مشهود و پذیرفته شده):

در لایه نخست و در ارتباط با مسائل عینی، مفهوم کلاسیک نرخ شهرنشینی مطرح بوده و مورد اجماع قرار گرفته است. تغییر بسیار این نرخ در شرایط گوناگون کشور نشانگر مجموعه‌ای از درصدها، کمیت‌ها، جابجایی‌ها و کدهای مکانی است؛ توجه نرخ شهرنشینی بر شماری از کریستال‌های فضایی به عنوان واقعیت‌های عینی محدود شده که در حال تبدیل شدن به آستانه مشخصی از کمیت‌ها (آستانه جمعیتی شهر در ایران ۵ هزار نفر) است که پیشوند شهر به آن‌ها افزوده می‌شود. همچنین اندازه سکونت‌گاه‌های فضایی با عنوان شهرها به تدریج گسترده‌تر شده و جمعیت ساکن در آن‌ها در مقایسه با جمعیت ساکن در غیر از شهرها (مانند روستا) در حال افزایش است. پیش‌فرض غالب از تعریف شهر در این لایه، به عنوان یک گونه سکونتگی از قلمرو با محدوده مشخص و مرزبندی شده از حومه است.

معنایی را معرفی کرد تا با این پدیده‌ها برخورد شود. بستگی به گفتمان و زمینه مورد بررسی، بحث‌های متفاوتی درباره «اوربانیزاسیون» وجود دارد که امری گریزناپذیر هستند.

این پژوهش، با به‌کارگیری روش تحلیل لایه‌ای علی^{۲۲} (CLA) در چارچوب رهیافت پسا ساختارگرایی به نظریه شهری انجام شده است. روش پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد اکتشافی بوده است. روش تحلیل لایه‌ای علی به مثابه یک نظریه، سعی دارد تا رهیافت‌های مختلف شناخت‌شناسی (تجربه‌گرایی، تفسیرگرایی، انتقادی و یادگیری حین عمل) را کنار هم قرار دهد. به عنوان یک روش، کاربرد آن لزوماً با محوریت پیش‌بینی آینده نیست، بلکه پیش‌تر به گذشته و حال نظر دارد و برای آفریدن فضاهای دگرگون‌کننده در راستای ایجاد آینده‌های بدیل است (**عنایت‌الله و میلوپه بیچ، ۱۳۹۵**). تحلیل لایه‌ای علی در چهار قلمرو یا لایه اصلی تصور می‌شود. لایه لیتانی^{۲۳} یا کمی، سطحی‌ترین لایه بوده و معرف دیدگاه رسمی و پذیرفته شده از واقعیت، است. در این سطح روندهای کمی و مشکلات غالباً به صورت مبالغه‌آمیز معرفی می‌شوند. سطح دوم لایه مربوط به دلایل وابسته به سیستم^{۲۴} شامل علل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و عوامل تاریخی است. در این سطح داده‌های سطح لیتانی توضیح داده شده و مورد پرسش قرار می‌گیرند. سطح عمیق‌تر سوم با ساختارها و گفتمان / جهان‌بینی^{۲۵} که آن را پشتیبانی کرده، ارتباط دارد. در این سطح شالوده‌های نمایش سطح لیتانی مورد نقد و پرسش قرار می‌گیرند. سطح چهارم تحلیل استعاره / اسطوره^{۲۶} است. این سطح متشکل از داستان‌ها و روایت‌های عمیق، ابعاد ناخودآگاه مسئله و اغلب انگیزشی یا متناقض‌نما است (**Inayatullah, 2004**).

12-4). جامعه آماری این پژوهش دربرگیرنده نخبگان و متخصص‌های حوزه مطالعات شهری ایران مطابق **جدول ۳** است.

همچنین مصاحبه عمیق / نیمه ساختاریافته^{۲۷} در راستای دستیابی به داده‌ها و کدهای^{۲۸} نظری به کار گرفته شده است. شیوه نمونه‌گیری نظری بر اساس روش گلوله‌برفی بوده است.^{۲۹} به این ترتیب، تحلیل لایه‌ای علی (CLA) به واسطه مصاحبه‌های عمیق / نیمه ساختاریافته تا مرحله اشباع نظری و شناسایی مضامین اصلی لایه‌ها به کار رفته است. طوری که اشباع نظری ملاک تعیین‌کننده برای حجم نمونه بوده است. در این پژوهش، داده‌های تحلیل ذهنی مصاحبه‌شوندگان

جدول ۳. معرفی جامعه آماری پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

حوزه تخصص	شهرسازی	جامعه‌شناسی	اقتصاد سیاسی	جمعیت‌شناسی
تعداد	۶	۴	۳	۲

گردآوری و پیاده‌سازی مصاحبه‌ها



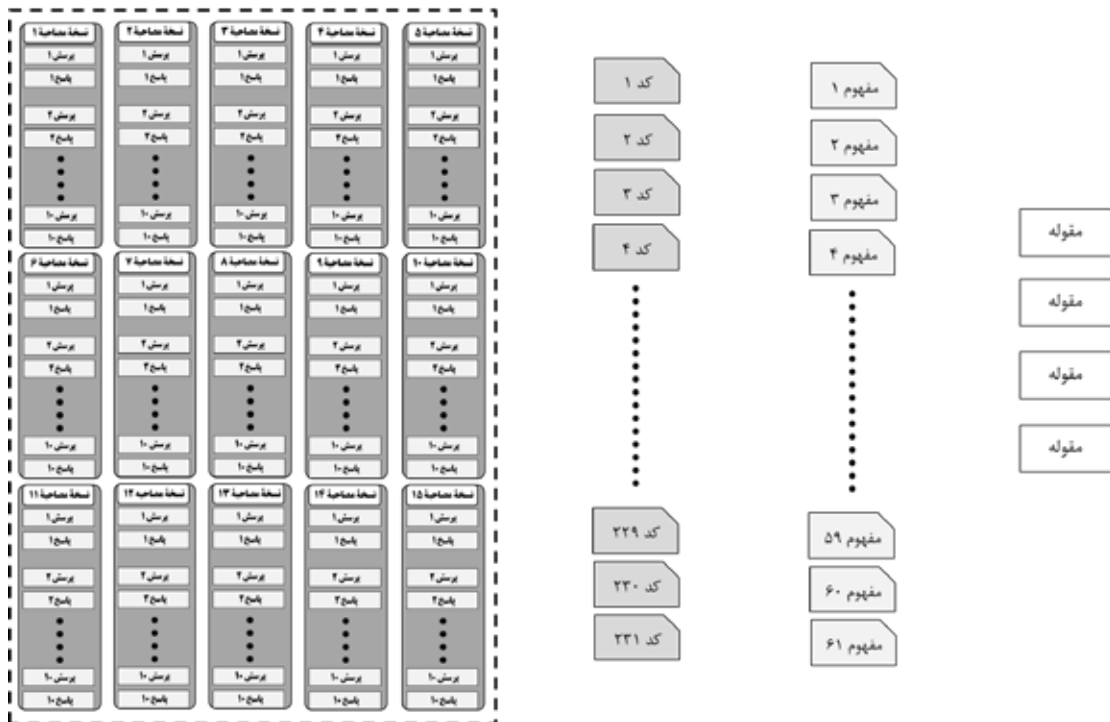
کدگذاری ابتدایی



کدگذاری متمرکز



کدگذاری نظری



تصویر ۲. مراحل کدگذاری مصاحبه‌ها در پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۴. نمونه ردیابی مفاهیم. مأخذ: نگارندگان.

منبع	نمونه نقل قول (گزاره اولیه)	کد اولیه	کد توصیفی	مفاهیم اولیه	ردیابی لایه
P۲	در دو دهه اخیر، دولت‌ها موانع سیاسی و محیطی در گسترش شهرها را برچیده‌اند و ظرفیت‌های لازم (نه کافی) شهری شدن را ایجاد کرده‌اند.	T۱۷	تسهیل‌گری در گسترش شهرها	پیشسازی نقش دولت	لایه دوم

آخرین گسترش یافته است. الگوها، قوانین، رفتارها، هنجارها و باورهای اجتماعی به عنوان عناصر کلیدی در پیدایش واقعیت‌های عینی شهرنشینی و تکوین مفهوم «اوربانیزاسیون» مورد توجه قرار می‌گیرند. نقش کلیدی و بارز راهبردها و سیاست‌های دولتی در راستای تنظیم پیکربندی‌های فضایی در مقیاس‌های منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی مورد تأکید است. در این سطح معادل «شهرنشینی» به تدریج رنگ باخته است و غالباً از «شهری شدن» بحث می‌شود. ردیابی گونه‌های متفاوتی از واقعیت عینی شهرنشینی با بررسی علل وابسته به سیستم - فرهنگی (ترویج نوعی از طلب فضایی مبنی بر شهرشدن؛ در سکونتگاه‌های روستایی ایران)، اقتصادی - سیاسی (دولت به عنوان بازیگر نقش اول در تعریف آستانه جمعیتی شهر، شهر در ایران به صورت بروکراتیک متولد شده، شهرشدن به عنوان یک دستور کار و یک پروژه بزرگ دولتی، کالایی شدن فضاهای توسعه شهری در کشور، دولت

در این سطح از تحلیل، شهرنشینی به نوعی در تقابل با روستانشینی تجلی پیدا می‌کند. مفهوم «اوربانیزاسیون» صرفاً در مقوله تمرکز یافته خود مورد تأکید است. اطلاعات و داده‌های کمی بسیاری در دسترس قرار دارند که نشان‌دهنده تحولی اساسی در خصیصه‌های مرتبط با نرخ شهرنشینی در جهان است که از نظر تجربی نیز می‌توان آن‌ها را تأیید کرد. مانند این که در دهه اول قرن بیست و یکم، بیش از نیمی از جمعیت جهان ساکن شهرها شدند. همین روند در ایران نیز در اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ قابل مشاهده بود. البته پرداختن به این که «چرا چنین تحولی بروز یافته» و «چه عواملی در آن مؤثر بوده‌اند»، به سطح دومی از تحلیل نیاز دارد.

- لایه دوم (علل وابسته به سیستم):

در لایه دوم، طیفی از پیامدها و روابط بین عوامل پیدایش، دگرگونی و تکوین مفهوم «اوربانیزاسیون» در دهه‌های

است «اوربانیزاسیون» جایگزین مطرح شود تا فضای امید در زیست روزمره احیا شود، در این لایه مطرح است. در این لایه دگرگونی‌های اجتماعی - فضایی با تأکید بر تکامل و تحول هم‌زمان اهمیت می‌یابد.

به این ترتیب، سطوح کاوش شده به همراه مؤلفه‌های کلیدی هر سطح، براساس تحلیل لایه‌ای علی (CLA) از دیدگاه صاحب‌نظران این حوزه، در جدول ۵ ارائه شده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به بحث‌های صورت‌گرفته، می‌توان این‌گونه استدلال کرد که در رهیافت‌های نوین به نظریه شهری، «اوربانیزاسیون» دیگر قابل فروکاستن به رشد فیزیکی پدیده‌های شهری نیست، بلکه مجموعه‌ای از فرایندها و عرصه‌ای از نیروهای جهانی/ملی/منطقه‌ای/محلی است که باعث دگرگونی‌های اجتماعی/فضایی در مقیاس‌های متنوعی می‌شود. در راستای نایل شدن به نگرشی پویا و منسجم درباره «اوربانیزاسیون»، پژوهش حاضر به دنبال کاوش دورنمای نظری دگرگون‌شده ناشی از این مفهوم در ایران بوده است. تحلیل لایه‌ای علی در راستای عمق‌بخشیدن به درک سطوح تو در تو و پیچیده «اوربانیزاسیون» طیفی از عینی‌ترین و عام‌ترین خوانش‌ها تا ارتباط این مفهوم با گفتمان‌ها و استعاره‌ها را معرفی و بررسی کرد. به این ترتیب علت‌ها، تناقض‌ها و همخوانی‌های جاری در روایت‌های ذهنی صاحب‌نظران و متخصص‌ها ارائه شده و در ارتباط با مبانی نظری پژوهش مورد تحلیل قرار گرفت. آنچه مشخص شد، مفهوم «اوربانیزاسیون» در ایران را نمی‌توان به‌تنهایی در یک سطح کلی و عمومی تحلیل کرد، زیرا از نظر فضا/زمان دیدگاه‌های متنوعی درباره پیدایش، تحول و تکامل آن مورد بحث قرار می‌گیرد. شایسته است که دیدگاه صاحب‌نظران داخلی با آنچه در بستر جهانی «اوربانیزاسیون» در جریان است، مورد ارزیابی قرار گیرد.

در سطح اول که معرف دیدگاه رایج و پذیرفته‌شده از «اوربانیزاسیون» در ایران بوده، هستی‌شناسی آن به عنوان پدیده شهری‌نشینی ناشی از یک واقعیت عینی و تجربی مورد تأکید است. شناخت‌شناسی این سطح طبیعتاً «اوربانیزاسیون» برگرفته از سیتی بود که اوربان صرفاً به عنوان یک صفت در توصیف آن است. منطق ایستای به‌کاررفته در این سطح هم‌تراز نگاه جهانی با تبارشناسی کلاسیک پیرامون نرخ شهرنشینی است. شاید تنها تمایز در تعیین آستانه جمعیتی برای شهر در کشورهای مختلف (از ۲ هزار نفر تا ۲۰ هزار نفر) است. این سطح بیشتر با مؤلفه‌های عینی مانند درصدهای جمعیتی، نرخ‌های شهرنشینی و کریستال‌های فضایی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. برای مثال

محوربودن پروژه‌های توسعه شهری، قراردادادن ۸۰ درصد منابع بانکی کشور در بخش مسکن، نرخ سود بخش مسکن ۲/۷ برابر سایر بخش‌ها)، فناورانه (برچیده شدن موانع محیطی، انتقال صنایع راهبردی از کرانه‌ها به مرکز کشور، شبکه‌های ارتباطی متنوع)، اکولوژیکی (تخریب حیات‌وحش، طرح‌های انتقال آب در پشتیبانی از دور باطل شهرنشینی در مرکز کشور، ایجاد دریاچه مصنوعی تهران) در ارتباط با تقویت و تضعیف فرایندهای مرتبط مورد تأکید است. این سطح از تحلیل بر اهمیت مفهوم «اوربانیزاسیون» به عنوان مجموعه‌ای از فرایندهای همگرا یا سازگار و حتی واگرا یا در تنش با هم تأکید دارد.

- لایه سوم (ساختارها و گفتمان / جهان‌بینی):

در لایه سوم مبتنی بر داده‌های حاصل از مصاحبه‌های صورت‌گرفته، بنیان‌های فکری مفهوم «اوربانیزاسیون» در سایه گفتمان‌های مدرن شدن (جامعه و نسلی که مدرن شده و خواسته یا حقوق فضایی آن بیشتر از گذشته است)، صنعتی شدن (شیوه‌های تولید مناطق در دوره‌های جدید دگرگون شده)، جهانی شدن (پیدایش شبکه‌های اقتصاد جهانی برای حرکت جهانی سرمایه) و نئولیبرال شدن (ترویج راهبردهای فضایی همسان در کشورها) ردیابی و تفسیر می‌شود. همه این فراروایت‌های مطرح‌شده در کنار هم و به صورت تو در تو هستند. تفکیک این‌ها از نیز بسیار دشوار است. علاوه بر این، «اوربانیزاسیون» از نظر مفهومی در ذات خود، همه این چهار مفهوم را با درجه‌هایی از شدت و ضعف دارد. در این لایه «اوربانیزاسیون» به طور دقیق قابل معادل‌سازی نیست، زیرا هر نوع ترجمه‌ای از این واژه باعث فروکاستن یک سطح از معنای گفتمانی آن می‌شود. در واقع، صورت مسئله‌ای متفاوت از معرفت‌شناسی و فلسفه فضا-زمان نیز در این لایه مورد توجه صاحب‌نظران است. همچنین تبدیل شدن واقعیت عینی به نظامی از ساختارها در بیان گفتمانی خاص می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. به نوعی گسترش یافته درجه سوپژگی و فرایند تبدیل ابژه‌ها به سوپژه‌ها در این لایه مورد تأکید است.

- لایه چهارم (استعاره / اسطوره):

در لایه چهارم ردیابی عوامل و ساختارهای ناآگاهانه و روایت‌هایی که در ناخودآگاه جمعی مسئله‌سازی شده‌اند، مورد تأکید است. در این لایه معناهای سطح اول از مفهوم «اوربانیزاسیون» به عنوان نرخ شهرنشینی، به کلی تغییر یافته‌اند. نوعی پویا و تغییر در مناسبات کلان و حتی در الگوی تولید و مصرف در فضا مطرح است. این استعاره که «اوربانیزاسیون» به عنوان نمادی از رهایی‌بخشی یا میانجی‌بودن تسری می‌یابد؛ این که اساساً جامعه نتوانسته «اوربانیزاسیون» راستین و واقعی را تجربه کند و شایسته

جدول ۵. لایه‌های چهارگانه براساس تحلیل لایه‌ای علی (CLA) پیرامون مفهوم «اوربانیزاسیون». مأخذ: نگارندگان.

سطح تحلیل لایه‌ای علی	ویژگی مفهوم «اوربانیزاسیون» در سطح مورد بررسی
لایه لیتانی - مسئله مشهود و پذیرفته شده	<ul style="list-style-type: none"> - فروکاستن مفهوم «اوربانیزاسیون» به نرخ شهرنشینی (در مقابل روستانشینی) در ایران اکنون ۷۰ درصد جمعیت ایران شهرنشین هستند. - تأکید بر واقعیت عینی در شکل غالبی از کمیت‌ها و درصدها (اوربانیزاسیون تمرکز یافته) در ایران - جابجایی و تغییر خصیصه‌هایی از تحول کدهای مکانی با محوریت کریستال‌های فضایی (روستا، شهر، کلان شهر و ابرشهر) بدون تأکید بر فرایند تکاملی آن‌ها - غلبه سیتی/ اوربان صرفاً یک صفت
لایه علل وابسته به سیستم	<ul style="list-style-type: none"> - اراده سیاسی از نوع بالا به پایین و با محوریت دولتی (برچیدن موانع سیاسی/اداری) - شهرشدن به عنوان یک دستور کار دولتی برای پرکردن شکاف‌های کنترل و مدیریت دستکاری و تنظیم فضا توسط راهبردهای فضایی دولتی - تولد بروکراتیک شهر در ایران چرا که در تعریف آستانه جمعیتی شهر، بازیگر نقش اول است. - ۸۰ درصد منابع بانکی کشور در بخش مسکن، نرخ سود بخش مسکن ۲/۷ برابر سایر بخش‌ها - تشبیه‌ساز و کار اوربانیزاسیون کشور به صنعت خودروسازی کشور (انحصار دولتی) - طرح‌های انتقال آب در پشتیبانی از دور باطل شهرنشینی - انتقال صنایع راهبردی از کرانه‌ها به مرکز کشور (مانند ذوب آهن) - روستا در ایران به معنای خدمات کم‌تر گذرانده‌اند. - مواجهه دولت با مجمع‌الجزایری که آستانه‌های جمعیتی را گذرانده‌اند (طلب فضایی) - زمزمه‌هایی از طرح انتقال پایتخت - کم‌رنگ شدن سیتی/ تبدیل شدن اوربان از صفت به اسم - تأکید بر اوربانیزاسیون تمرکز یافته در کنار اوربانیزاسیون گسترش یافته
لایه گفتمان / جهان بینی	<ul style="list-style-type: none"> - گذار از «تکلیف» به «حق» در نقاط شهری و روستایی به واسطه گفتمان مدرن شدن - آگاهی، آشنایی با حقوق، آزادی و آرمان‌های طبقه متوسط همگی ناشی از اوربانیزاسیون شهر هر اندازه بزرگ‌تر می‌شد به قابلیت‌های دموکراسی و آزادی‌های مدنی بیشتری نیاز داشت. - محوریت گفتمان صنعتی شدن در اوربانیزاسیون و دموکراسی سیاسی - گفتمان جهانی شدن هم در دهه‌های اخیر در سوی مشترکی با اوربانیزاسیون بوده است، زیرا سرمایه نیازمند حرکت جهانی است. - اوربانیزاسیون به طور ذاتی به نوعی با گفتمان لیبرالیسم عجین شده است. زیرا استثمار و نابرابری و محرومیت‌های ناشی از فرایندهای اوربانیزاسیون قابل ردیابی است. - در اوربانیزاسیون سوژگی فضای سرزمین قابل بحث است و نه ابژگی - تبدیل شدن اوربان از صفت به اسم و اتوپیا
لایه استعاره / اسطوره	<ul style="list-style-type: none"> - تبدیل خیابان شاه رضا به خیابان انقلاب یا تبدیل میدان شهید به میدان آزادی (اتوپیا) - آرمان‌هایی بوده‌اند که مردم با آن زیست می‌کردند و در تخیل خود داشتند. - اوربان در لحظه پیدایش خود به عنوان یک هتروتوپ (بی‌سنخیت با پیرامون خود) - ردیابی اوربانیزاسیون در دگرگونی‌های مناسبات اجتماعی دوران انقلاب مشروطه - بیشترین دستاورد انقلاب مشروطه در روابط اجتماعی محدوده شهرها - پیدایش مطالبه‌ها و شعارها ریشه در سوژگی افراد - نوعی پویش و تغییر در مناسبات کلان و حتی در الگوی تولید و مصرف در فضا - نمادی از رهایی بخشی یا میانجی بودن و تفاوت بنیاد بودن اوربان در جهان امروز - اهمیت دگرگونی‌های اجتماعی - فضایی (ضرورت توجه هم‌زمان بر تحول و تکامل) - معنا و ساختار تغییر یافته (تثبیت اوربان از صفت به اسم و اتوپیا و حتی هتروتوپیا)

لحظه و برآینده آن نیست. در ایران شناخت‌شناسی این سطح با سیتی آغاز می‌شود و سپس با اوربان ارتقایافته و ماندگار می‌شود. در این سطح اوربان از یک صفت (لایه نخست) به یک اسم تحول می‌یابد. این سطح بیشتر با مؤلفه‌هایی قابل بررسی است که بیانگر فرایندهایی هستند که در تعامل و تنش دائم با هم قرار دارند. این گزاره که راهبردهای دولتی در راستای تقویت فرایندها و پروژه‌های توسعه شهری بوده‌اند؛ بازنمایی‌کننده این سطح از شناخت و تحلیل است. در دیدگاه‌های جهانی این سطح با نقد مفهوم «اوربانیزاسیون» به عنوان نرخ کمی مطرح می‌شود و اساساً

این گزاره که امروزه جهان شهری شده و بیش از ۵۰ درصد ساکنانش در شهرها زندگی می‌کنند؛ یا این که اکنون ۷۰ درصد جمعیت ایران شهرنشین هستند؛ نشان‌دهنده این سطح از شناخت و تحلیل است. براساس خوانش‌های نوین، این سطح با ساحت تمرکز یافته از مفهوم «اوربانیزاسیون» ردیابی می‌شود.

در سطح دوم علت‌های کلان وابسته به سیستم ردیابی شدند. در این لایه از تحلیل، هستی‌شناسی «اوربانیزاسیون» در ایران به عنوان فرایند شهری شدن مطرح می‌شود که نرخ شهرنشینی یک لحظه از این فرایند بوده ولی تنها

سطح نمی‌توان از کدهای مکانی و نرخ‌های کمی بحث کرد. در دیدگاه‌های جهانی به ویژه رهیافت‌های انتقادی، این سطح با مفهوم فضای تفاوت بنیاد در قالب زایش فضای امید در زیست روزمره هم‌تراز می‌شود. با پذیرش تغییر مداوم ماهیت و محتوای «اوربانیزاسیون»، با ادامه روندهای موجود در مقیاس جهانی، استعاره‌رهای بخش بودن در گزاره‌هایی مانند این که «اوربانیزاسیون» به عنوان نمادی از رهایی‌بخشی، متفاوت بودن یا میانجی بودن و جایگزین بودن تسری یافته؛ قابل ردیابی است. زیرا با گسترش و تحکیم روزافزون «اوربانیزاسیون»، برخی حقوق مدنی مورد پذیرش قرار خواهد گرفت.

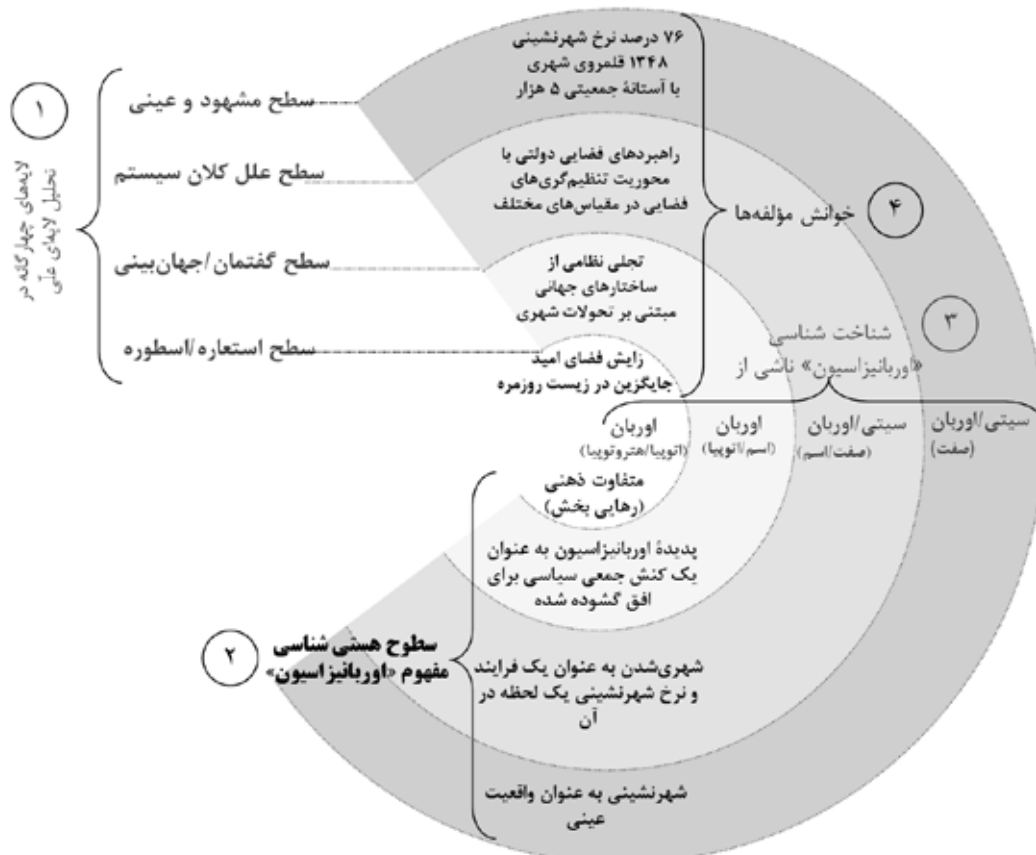
تصویر ۳ به ارائه شماتیک دورنمای نظری «اوربانیزاسیون» در لایه‌های CLA پرداخته است.

با توجه به هدف و پرسش اصلی پژوهش که در قسمت آغازین مقاله طرح شده است؛ وضعیت شهری امروز در ایران و جهان به شدت دگرگون شده و در پس آن، بازسازی‌ها و دگردیسی‌های شهری با سرعت بیشتری در جریان بوده‌اند و

نگاه فراشهری بر شهر غالب می‌شود. به نوعی می‌توان در این سطح دیدگاه‌های نوین درباره ساحت گسترش یافته از مفهوم اوربانیزاسیون را مطرح کرد.

در سطح سوم ساختارها، گفتمان‌ها و جهان‌بینی‌های پشتیبان در «اوربانیزاسیون» ایران مورد کاوش قرار گرفته‌اند. طوری که هستی‌شناسی مفهوم «اوربانیزاسیون» به عنوان پدیده‌ای برگرفته از فراروایت‌هایی مانند مدرن‌شدن، صنعتی‌شدن، جهانی‌شدن و نئولیبرال‌شدن است. شناخت‌شناسی این سطح با اوربان (از نوع اتوپیا) مرتبط است. در این سطح «اوربانیزاسیون» به مثابه ظرفیت‌سازی برای کنش جمعی در راستای گشایش افق اجتماعی/سیاسی مطرح است. رگه‌هایی از این سطح در جنبش انقلاب مشروطه و دستاوردهای شهری آن قابل ردیابی است.

در سطح چهارم استعاره‌های مربوط به «اوربانیزاسیون» در ایران مورد تأکید قرار گرفته است. هستی‌شناسی مورد تأکید در این سطح ماهیتی ذهنی دارد. شناخت‌شناسی آن نیز برگرفته از اوربان (اتوپیا و هتروتوپیا) است. در این



تصویر ۳. دورنمای نظری مفهوم «اوربانیزاسیون» در لایه‌های CLA در ایران. مأخذ: نگارندگان.

۱۱. به عنوان یک گونه سکونت‌گاهی مجزا در عصر صنعتی شدن با مرز مشخص در تضاد با روستا و حومه تعریف شده است.

۱۲. Mille-feuille pastry

۱۳. A thousand leaves

۱۴. Non-City - منظور از جنبه‌های غیرسیتی، مناظر کارکردی (سد، معدن، روستا، راه و...)، اکولوژیکی (حیات وحش، مراتع و...) هستند که خارج از مرز و محدوده سیتی واقع شده‌اند.

۱۵. Anti-City - وقتی سیتی (محدوده مرزدار سکونتی) بر غیر سیتی (مناظر کارکردی و اکولوژیکی خارج از سیتی) غلبه کرده و گسترش می‌یابد، از حالت سیتی - بودگی خارج شده و به نوعی سیتی نخست در حال ناپدید شدن و محوشدن قرار می‌گیرد. در این لحظه ضد سیتی جلوه می‌یابد. به این ترتیب رشد آن متوقف شده و موقتا تثبیت می‌شود.

۱۶. Death of distance

۱۷. End of geography

۱۸. Weightless economy

۱۹. «طبق بیان ریموند ویلیامز (۱۹۷۶) «فرهنگ» یکی از دو یا سه کلمه دشوار در زبان انگلیسی است، اما امروزه، بدون تردید، «اوربان» باید به عنوان سخت‌ترین واژه بر آن اضافه شود.» (Scott, 2008) فهم اوربان به عنوان صفت، اسم و آرمان، هریک معرفت‌شناسی متفاوتی با کلیت اوربان به وجود می‌آورد (Castriota & Tonucci, 2018). اوربان هر نوعی تعریف شود، یک میدان نیرو را تشکیل می‌دهد که خود می‌تواند به نیروهای تشکیل‌دهنده مشخص‌تری مانند متغیرهای پیچیده اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تقسیم شود (Brenner, 2013). اوربان بیش از یک قلمرو مرزدار مشخص با گونه صرفا سکونتی، به یک مقیاس پیوسته از دگرگونی‌های اجتماعی/ فضایی اشاره دارد که از سطح محلی تا جهانی و حتی سیاره‌ای گسترش یافته است.

۲۰. Concentrated

۲۱. Extended

۲۲. Causal Layered Analysis

۲۳. Litany

۲۴. Causes Systemic

۲۵. Discourse/ Worldview

۲۶. Myth/Metaphor

۲۷. In-depth and Semi-structured Interview

۲۸. Coding - منظور از کد در این پژوهش، سازه‌ای است که پژوهشگر از آن به عنوان نمادی در راستای کاوش الگوها، مقوله‌بندی‌ها، مفهوم‌پردازی و سایر روندهای تحلیلی بهره می‌گیرد.

۲۹. مصاحبه‌ها از تاریخ ۱۳۹۸/۰۸/۲۰ تا ۱۳۹۹/۰۴/۲۱ (هش) توسط پژوهشگران و به صورت حضوری تدوین شد. حداقل بازه زمانی مصاحبه ۴۰ دقیقه و حداکثر ۷ ساعت (چند جلسه) بوده است.

۳۰. Initial coding - تکنیکی برای شناسایی واژه‌ها یا مجموعه‌ای از واژگان مهم در تحلیل داده‌ها است. این گام به عنوان پایه نخستین مفهوم‌پردازی است. از این واژه‌ها در ادامه به عنوان برچسب برای مقوله‌بندی مفاهیم استفاده می‌شود (Charmaz, 2006, 46). هنگام تحلیل داده‌های جدید، مقوله‌ها به تدریج گسترش می‌یابند و به اشباع نظری می‌رسند. طوری که دیگر مقوله جدیدی برای تحلیل داده‌های جدید شناسایی نمی‌شود.

۳۱. Focused coding - تکنیکی برای گسترش و بسط مقوله‌های جدا از هم و همچنین برای پیوند مقوله‌ها با یکدیگر؛ در این گام، کدها با هم ترکیب می‌شوند و منظومه‌ای برای توضیح مفاهیم در بستر داده‌ها و تحلیل‌ها سازمان‌دهی می‌شود (سالدانیا، ۱۳۹۵، ۱۳).

۳۲. Theoretical coding - کدگذاری نظری موجب شناسایی پدیده مرکزی و هسته اصلی در تحلیل مقوله‌ها می‌شود.

فهرست منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی و نگهبان، محمد. (۱۳۸۳). تحلیلی بر شهرنشینی و جایگاه شهرهای جدید در ایران. *تحقیقات جغرافیایی*، ۱۹(۴)، ۱۵۲-۱۷۲.
- ادیبی، حسین. (۱۳۵۳). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شهری*. تهران: انتشارات شبگر.

فضاهای شهری جدید در کنار اشکال جدید «اوربانیزاسیون» در حال تبلور یافتن هستند. در ردیابی مفهوم «اوربانیزاسیون» با توجه به لایه و سطح تحلیلی مورد تأکید، پدیده‌ها امکان معرفت‌شناسی متفاوتی دارند. پیش از مواجهه و خوانش این پدیده‌ها، لازم است سطوح معنایی در دستگاه فکری مورد نظر تعیین شود. زیرا «اوربانیزاسیون» در حال تبدیل به یک مفهوم چندبعدی و شناور است. بعد معرفتی، هستی‌شناختی و فلسفی آن یک نوع درک‌پذیر است و بعد نمادی و حرکتی آن نوعی دیگر درک می‌شود. بستگی به گفتمان و زمینه مورد بررسی بحث‌های متفاوت و حتی متضادی وجود دارد که گریزناپذیر هستند. غالباً واژه «اوربانیزاسیون» در ایران در راستای توصیف حالت خاصی بوده و زیاد عمومیت نیافته، ولی به تدریج و در دهه‌های اخیر این واژه از حالت عینی به حالت ذهنی تسری پیدا کرده است. به همین ترتیب می‌توان نوشت که امروزه اهمیت فرایندی (عرصه‌ای از نیروها) این واژه بسیار قوی‌تر از اهمیت ایستایی (نرخ و عدد) آن است. با این وجود، بسیار دشوار است که تنها با یک گفتمان به خوانش این مفهوم پرداخت. اساساً گفتمان‌های زمانی و مکانی «اوربانیزاسیون» را تقویت می‌کنند و آن را محتوا می‌بخشند. پس نمی‌توان «اوربانیزاسیون» را در بستر ایرانی به حصار کشید و معادل فارسی قطعی برای آن معرفی کرد. زیرا «اوربانیزاسیون» حصارپذیر نیست و به شدت در حال تحول و پویایی است. مهم این است که وضعیتی مشخص شود و گفتمان لازم برای بیان آن وضعیت معرفی شود، اگر آن واژه قدرت مفهوم‌پردازی را برای گفتمان مورد نظر ایجاد کند، می‌توان ادعا کرد که آن واژه امکان کاربست برای بیان آن حالت را دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای این مفهوم معادل‌های گوناگونی در نوشتار فارسی به کار گرفته شده‌اند. از شهرنشینی، شهری‌شدن، شهری‌سازی، ایجاد مدنیت و حتی شهرگرایی که هر کدام در زمینه‌های مفهوم خاص می‌یابند. در راستای جلوگیری از سردرگمی و برای حفظ ماهیت این واژه سعی شده در پژوهش حاضر «اوربانیزاسیون» به کار گرفته شود.
۲. Modernization
۳. Industrialization
۴. Globalization
۵. Neoliberalization
۶. این مجموعه گزارش‌ها توسط محمد علیزاده و کاظم کارزونی در دوره‌های ۵ تا ۱۰ سال ارائه شد.
۷. این پژوهش در چگونگی به کارگیری واژه «شهر» با حساسیتی خاص میان ترمینولوژی‌های «تاون»، «سیتی» و «اوربان» تمایز قائل می‌شود. زیرا این مفاهیم دارای ویژگی‌های مشخص در اقتصاد سیاسی مشخصی هستند. مفهوم شهر در معادل‌سازی رایج نوشتار فارسی با هیچ کدام از واژه‌های تاون، سیتی و اوربان هم ردیف نمی‌شود. به این ترتیب سعی شده از معادل‌سازی برای این واژه‌ها اجتناب شود و دقیقاً از خودشان برای تأکید بر مفهوم این پدیده‌ها استفاده شود.
۸. Empty Signifier
۹. Postcolonial
۱۰. Planetary

- اشرف، احمد. (۱۳۵۳). ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران. نامه علوم اجتماعی، ۴۱(۴)، ۷-۴۹.
- اعتصام، ایرج. (۱۳۵۴). محیط‌های شهر و روستا. محیط‌شناسی، ۳(۳)، ۱۱۱-۱۲۰.
- ایران محبوب، جلیل و میرفردی، اصغر. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر متقابل فرایند افزایش جمعیت و شهرنشینی در ایران. فصلنامه جمعیت، ۱۳(۴۵/۴۶)، ۱۰۳-۱۳۵.
- پورافکاری، نصرالله؛ کلانتری، صمد و نقدی، اسدالله. (۱۳۸۱). توسعه شهرنشینی و پیامدهای آن. فصلنامه جمعیت، ۱۱(۳۹)، ۱-۳۳.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۹۴). دگردیسی و پایایی شهر و مفهوم آن. صفه، ۲۵(۶۸)، ۳۵-۴۶.
- درویش‌زاده، روشنگر؛ پوراحمد، احمد؛ منصوریان، حسین و سیفال‌دینی، فرانک. (۱۳۹۳). فرایندها و الگوهای شهرنشینی در ایران. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۶(۲۱)، ۶۱-۸۴.
- رهنمایی، محمدتقی. (۱۳۸۸). دولت و شهرنشینی در ایران (مبانی و اصول کلی نظریه توسعه شهر و شهرنشینی در ایران). مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱(۲)، ۱۴۳-۱۶۵.
- ریسمانچیان، علی. (۱۳۷۲). توزیع و ترکیب جمعیت در شهرهای جدید. سمینار بررسی مسائل جمعیتی ایران، ۲۴۶-۲۵۴.
- زنجانی، حبیب‌الله. (۱۳۷۰). جمعیت و شهرنشینی در ایران. جلد اول: جمعیت. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۶۳). مهاجرت و شهرنشینی. تهران: دفتر جمعیت و نیروی انسانی.
- سالدانیا، جانی. (۱۳۹۵). راهنمای کدگذاری برای پژوهشگران کیفی (ترجمه عبدالله گیویان). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شکویی، حسین. (۱۳۵۲). جغرافیای شهری. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- صاحب‌الزمانی، ناصرالدین. (۱۳۴۷). روح بشر. تهران: انتشارات عطایی.
- صرافی، مظفر. (۱۳۷۹). شهری‌شدن جهان و جهانی‌شدن شهرها: طرح مسئله برای جنوب. اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۱۴(۱۵۶/۱۵۵)، ۱۶۴-۱۶۷.
- صرافی، مظفر. (۱۳۸۱). مهاجرت داخلی و مسئله مدیریت شهری با تأکید بر شرایط ایران. فصلنامه مدیریت شهری، ۳(۱۰)، ۵-۱۶.
- علیزاده آهی، زرین تاج. (۱۳۷۲). تحرکات جمعیتی و الگوی سلسله‌مراتب شهری. سمینار مسائل جمعیتی ایران، ۶۱۱-۶۲۵.
- عنایت‌الله، سهیل و میلویه بیج، ایوانا. (۱۳۹۵). آینده پژوهی با روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها (ترجمه مریم یوسفیان و مهدی مبصری). تهران: انتشارات شکیب.
- کینز، بنیامین. (۱۳۵۱). توسعه اقتصادی (ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده). تهران: انتشارات کانون تحقیقات اجتماعی و اقتصادی پازند.
- مجتهدی، احمد. (۱۳۴۹). شهرها و مسائل مربوط به آن‌ها. تهران: مؤسسه انتشارات مشعل.
- محمدزاده تیتکانلو، حمیده. (۱۳۸۰). شهرهای متوسط و شهری‌شدن جهان (نگاهی به بیانیه لیدا). مدیریت شهری، ۲(۵)، ۸۰-۸۷.
- مرادنژاد، رحیم. (۱۳۹۵). تحلیلی بر برنامه‌ریزی فضایی و الگوی
- توسعه شهرنشینی در ایران. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۷(۲۶)، ۹۳-۱۱۲.
- میرآبادی، مصطفی؛ بشارتی‌فر، صادق و کریمی، احمد. (۱۳۹۷). تحلیلی بر الگوی فضایی، ابعاد و عوامل مرتبط با رشد شهرنشینی دوره معاصر در ایران (با تأکید بر شاخص‌های توسعه‌ای و معیشتی). پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۶(۳)، ۶۰۵-۶۲۷.
- نائی روئن، چن و گالنسون، والتر. (۱۳۵۴). اقتصاد چین (ترجمه امیر باقر مدنی و منوچهر کیانی و عبدالله ظریفی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هاروی، دیوید. (۱۳۸۷). شهری‌شدن سرمایه (ترجمه عارف اقوامی مقدم). تهران: نشر اختران.
- وینر، مایرون. (۱۳۵۱). نوسازی جامعه (ترجمه رحمت ا... مقدم مراغه‌ای). تهران: مؤسسه انتشارات فرانکلین.
- یارمحمدیان، ناصر. (۱۳۹۹). شهرنشینی. دانشنامه اقتصاد، ۳(۱)، ۲-۱.
- Angelo, H. & Wachsmuth, D. (2014). Urbanizing Urban Political Ecology: A Critique of Methodological Cityism. *International journal of urban and regional research*, 39(1), 16-27.
- Brenner, N. (2013). Theses on Urbanization. *Public Culture*, 25(1), 85-114.
- Brenner, N. & Schmid, C. (2015). Towards a new epistemology of the urban? *City*, 19(2-3), 151-182.
- Brenner, N. (2019). *New Urban Spaces: Urban Theory and the Scale Question*. New York: Oxford University Press.
- Cairns, S. (2019). Debilitating City- Centricity: Urbanization and Urban- Rural Hybridity in Southeast Asia. In R. Padawangi, *Routledge Handbook on Urbanisation in Southeast Asia* (pp. 115- 130), London: Routledge.
- Castriota, R. & Tonucci, J. (2018). Extended urbanization in and from Brazil. *Environment and Planning D: Society and Space*, 36(3), 512-528.
- Charmaz, K. (2006). *Constructing Grounded theory: A Practical Guide through Qualitative Analysis*. Wiltshire: Sage Publication.
- Davis, K. (1955). The Origins and Growth of Urbanization in the World. *American Journal of Sociology*, 60(5), 429- 37.
- Gunder, M. & Hillier J. (2009). *Planning in Ten Words or Less A Lacanian Entanglement with Spatial Planning*. London: Routledge.
- Inayatullah, S. (2004). *The causal layered analysis (CLA) reader, Theory and Case Studies of an Integrative and Transformative Methodology*. Tapei: Tamkang University Press.
- Lefebvre, H. (1990). *The Production of Space* (D. Nicholson, Trans.). Oxford: Blackwell.
- Lefebvre, H. (2003). *The Urban Revolution* (D. Nicholson-Smith, Trans.). Minneapolis: University Of Minnesota Press.
- Rodriguez-Pose, A. (2008). The rise of the city-region concept

and its development policy implications. *European Planning Studies*, 16(8), 1025–1046.

- Roy, A. (2009). The 21st-Century Metropolis: New Geographies of Theory. *Regional Studies*, 43(6), 819-830.
- Schmid, C., Karaman, O., Hanakata, N. C., Kallenberger, P., Kockelkorn, A., Sawyer, L. & Wong, K. P. (2017). Towards a new vocabulary of urbanisation processes: A comparative

approach. *Urban Studies*, 55(1), 19–52.

- Scott, A. J. (2008). Inside the City: On Urbanisation, Public Policy and Planning. *Urban Studies*, 45(4), 755–772.
- United Nations. (2007). *World Urbanization Prospects*. Retrieved from <https://ourworldindata.org/urbanization>.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

شریفزادگان، محمدحسین و فتحی فرزانه، امیر. (۱۴۰۰). کاوش دورنمای نظری مفهوم «اوربانیزاسیون» در ایران مبتنی بر روش CLA. *باغ نظر*، ۱۸ (۱۰۰)، ۱۰۹–۱۲۲.

DOI: 10.22034/bagh.2021.244124.4634

URL: http://www.bagh-sj.com/article_129585.html

